

عنوان مقاله:

بررسی شخصیت «هدهد» در منطق الطیر عطار براساس نظریه «خودشکوفایی» ابراهام مزلو

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 14، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

محمد خسروی شکیب - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

رسول حیدری - استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

خلاصه مقاله:

منطق الطیر عطار با طرح مبانی عرفان اسلامی به طور عام و نظریه وحدت وجود به طور خاص، همچنین با داشتن جنبه های تمثیلی و نمایشی، شان و جایگاهی محکم در زبان و ادبیات فارسی دارد. هدهد یکی از شخصیت های برجسته در این اثر است که توانست با تاکید بر کنش جمعی و بسیج عمومی، مرغان دیگر را برای حرکتی جدید و متفاوت متقاعد کند. منش و روش هدهد در اقناع و بسیج مرغان بر مبنای نظریه های روانشناختی انسانگرا، تحلیل پذیر و درخور بررسی است. نظریه «خودشکوفایی» ابراهام مزلو، پدر روانشناسی انسان گرا، در رفتارشناسی و شناخت هدهد - رهبر پرندگان در مسیر رسیدن به سیمرغ - به خواننده کمک می کند تا شخصیت هدهد را به عنوان سمبل انسان خودشکوفا و کنش گرا بهتر درک کند. به نظر می رسد هدهد در جایگاه یک رهبر خودشکوفا و کنش گر توانسته است با تکیه بر ویژگی هایی مانند گشودگی نسبت به تجربه های اوج، تاکید بر منطق گفت و گو و مکالمه، هوش کلامی، انعطاف پذیری، اشتیاق و صداقت، خلاقیت و دوری از تقلید، خودبسندگی و خودمختاری و درک متقابل، بسیج عمومی و کنش جمع محور، مرغان را به نتیجه ای مطلوب و آرمانی برساند که همانا رسیدن به جایگاه سیمرغ است. در این مقاله سعی می شود با تاکید بر نظریه خودشکوفایی مزلو، به شخصیت شناسی هدهد و همچنین انجمن های معناگرا پرداخته شود.

کلمات کلیدی:

منطق الطیر، هدهد، خودشکوفایی، ابراهام مزلو

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209388>

